



شنبه بیست و دوم شهریور ماه ۱۳۹۳

سال هفتادم شماره ۲۰۲۵۰

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها
تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۱۰۰ تومان

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	قوه قضائیه	۱۳۹۳/۶/۱۸	دستورالعمل نحوه تشکیل و فعالیت واحدهای رسیدگی موضوع ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی
۲	سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور	۱۳۹۳/۶/۱۸	انتصاب جناب آقای دکتر اصغر جهانگیر ریاست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به عنوان عضو هیأت مدیره بنیاد تعاون زندانیان
۲	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۳/۶/۳	رای شماره ۹۸۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات علیه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت
۳	معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور	۱۳۹۳/۶/۳	رای شماره ۹۸۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ نسبت به دادنامه شماره ۹۱۵-۱۳۹۱/۱۲/۷ هیأت عمومی
۳	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۳/۵/۲۷	رای شماره ۹۶۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع رسیدگی به اعتراض مؤدی به برگ مالیات قطعی، قبل از رسیدگی و صدور رأی قطعی از سوی هیأت حل اختلاف مالیاتی موضوع تبصره یک ماده ۲۱۶ قانون مالیاتهای مستقیم بدو قابل طرح و استماع در دیوان عدالت اداری نیست
۵	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۳/۵/۲۷	رای شماره ۹۶۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، موضوع صلاحیت مرجع رسیدگی به فعالیت اماکن آموزشی
۶	شورای شهرسازی و معماری استان آذربایجانشرقی	۱۳۹۳/۶/۳	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص مغایرت اساسی طرح جامع شهر تبریز - تغییر کاربری اراضی ۳۰ هکتاری کرکج
۷	شورای شهرسازی و معماری استان مرکزی	۱۳۹۳/۶/۳	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص مغایرت اساسی طرح جامع شهر ساوه - کاهش حریم ساوه در محل دانشگاه ناصر خسرو
۷	شورای شهرسازی و معماری استان قزوین	۱۳۹۳/۶/۳	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص ساخت و ساز مجموعه پردیسبان در استان قزوین
۸	—	—	نظریه‌های مشورتی اداره کل امور حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه

قوانین و مقررات عمومی

شماره ۹۰۰۰/۳۷۱۱۴/۱۰۰

جناب آقای سینجلی جاسبی

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیرعامل روزنامه رسمی کشور

تصویر دستورالعمل «نحوه تشکیل و فعالیت واحدهای رسیدگی موضوع ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی» به شماره ۹۰۰۰/۳۷۰۳۲/۱۰۰-۱۳۹۳/۶/۱۸ ریاست محترم قوه قضائیه جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه - محسن محدث

شماره ۹۰۰۰/۳۷۰۳۲/۱۰۰

دستورالعمل نحوه تشکیل و فعالیت واحدهای رسیدگی موضوع ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی

در اجرای ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸ مجلس شورای اسلامی و جهت هماهنگی با دستگاههای ذیربط، دستورالعمل نحوه تشکیل و فعالیت واحدهای رسیدگی موضوع ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی به شرح مواد آتی است.

ماده ۱- به منظور سهولت دسترسی مردم و حسن اجرای «ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی» و «واحدهای رسیدگی» که در این دستورالعمل به اختصار «قانون» و «واحد رسیدگی» گفته می‌شود به شرح مفاد این دستورالعمل در سراسر کشور تشکیل و فعالیت خواهند نمود.

ماده ۲- تعداد واحد رسیدگی در هر حوزه قضایی و محدوده جغرافیایی فعالیت آنها، با رعایت سهولت دسترسی و مراجعه آسان مردم و متناسب با واحدهای اجرائیات راهنمایی و رانندگی یا واحد مشابه آن، با هماهنگی فرماندهی انتظامی استان و رئیس کل دادگستری استان تعیین خواهد شد.

ماده ۳- تأمین محل مناسب و تجهیز آن به منظور استقرار و فعالیت واحد رسیدگی با هماهنگی رؤسای حوزه‌های قضایی بعهدہ نیروی انتظامی (راهور) می‌باشد.

تبصره - لازم است محل استقرار واحد رسیدگی به نحوی باشد که امکان مراجعه آسان و مستقیم مردم فراهم باشد.

ماده ۴- مالک خودرو یا نماینده قانونی وی می‌تواند مراتب اعتراض خود را بنابر نوع قبوض جریمه صادره و ابلاغ صورت گرفته به شرح زیر به یکی از مراکز اجرائیات راهور تقدیم نماید.

الف - در قبوض تسلیمی و قبوضی که شخص از اخذ آن خودداری می‌کند، ظرف مدت ۶۰ روز از تاریخ صدور قبض جریمه.

ب - در قبوض الصاقی، دوبرگی، دوربین و نامحسوس در صورتیکه ابلاغ واقعی یا قانونی بعمل آمده باشد ظرف ۶۰ روز از تاریخ ابلاغ و چنانچه ابلاغ نشده باشد مهلت اعتراض از تاریخ اطلاع که اصولاً تاریخ مراجعه به اداره اجرائیات و اخذ صورت وضعیت می‌باشد خواهد بود.

ماده ۵ - پلیس راهنمایی و رانندگی موظف است ابتدا درخواست معترضین را دریافت، در مهلت قانونی بررسی و نتیجه آنرا در صورت وضعیت اصلاحی قبوض جرائم اعمال و در صورت غیرموجه دانستن اعتراض، مراتب را به معترض ابلاغ نماید و در صورت اصرار معترض، مراتب را ظرف بیست و چهار ساعت به دفتر واحد رسیدگی ذیربط ارسال نمایند.

تبصره ۱- ثبت و درج نتیجه اقدامات اجرائیات راهور برای قبوض جریمه اعتراض شده الزامی بوده و به منزله بررسی واحد اجرائیات تلقی می‌گردد و دارندگان قبوض پس از این مرحله و در صورت عدم ارسال اعتراض به واحد رسیدگی می‌توانند به این واحدها مراجعه و اعتراض خود را تسلیم نمایند.

تبصره ۲- معترضین موظفند دلایل و مستندات اعتراض خود را به واحد رسیدگی تسلیم نمایند و تشخیص موجه بودن آنها با قاضی واحد رسیدگی می‌باشد.

ماده ۶ - حدود صلاحیت واحد رسیدگی، رسیدگی به اعتراضات ناشی از تخلفات رانندگی و سایر موارد مندرج در قانون مذکور می‌باشد.

تبصره - اعتراض موضوع ماده ۵ قانون، حسب مورد بنا به تقاضای معترض، در واحد رسیدگی محل صدور قبض جریمه یا اقامتگاه وی قابل رسیدگی می‌باشد.

ماده ۷- رسیدگی به جرائم مأموران موضوع ماده ۲ قانون رسیدگی به تخلفات در خصوص نحوه صدور قبض جریمه توسط مراجع قضایی ذیصلاح خواهد بود.

ماده ۸ - پلیس راهور ناجا موظف است امکان دسترسی به سامانه واحد اجرائیات راهور را در محل واحد رسیدگی فراهم آورد.

ماده ۹- پلیس راهور موظف است روشها و سیستمهای مربوط به ثبت تخلف، صدور و ارسال قبوض جریمه (اعم از دستی و الکترونیکی) و بررسی ابتدائی به اعتراضات و اجرای آراء واحدهای رسیدگی را براساس مفاد این دستورالعمل و با رعایت حقوق قانونی اشخاص تنظیم و اقدام نماید.

ماده ۱۰- واحدهای رسیدگی در ساعات غیراداری متناسب با حوزه‌های قضایی تشکیل می‌گردد.

ماده ۱۱- مسئولیت و نظارت بر حسن اجرای این دستورالعمل حسب مورد به عهده دفتر امور نمایندگیهای قوه قضائیه و پلیس راهور ناجا می‌باشد.

تبصره - در هر یک از استانهای کشور، یک گروه بازرسی با ترکیب نمایندگان تام‌الاختیار رئیس کل دادگستری استان و فرماندهی انتظامی استان تشکیل و به صورت نوبه‌ای از کلیه واحدهای رسیدگی آن استان بازرسی و نتیجه را جهت رفع اشکالات و کاستی‌های موجود، حسب مورد به رئیس کل دادگستری و فرماندهی انتظامی استان ارائه می‌نمایند.

ماده ۱۲- این دستورالعمل در ۱۲ ماده و ۵ تبصره در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

رئیس قوه قضائیه - صادق آملی لاریجانی

شماره ۸۴۵/۲/۲۱۴۳۷

۱۳۹۳/۶/۱۸

جناب آقای جاسبی

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور

به پیوست تصویر حکم انتصاب جناب آقای دکتر اصغر جهانگیر ریاست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به عنوان عضو هیأت مدیره بنیاد تعاون زندانیان که به امضاء ریاست معزز قوه قضائیه رسیده جهت درج در روزنامه رسمی به حضورتان تقدیم می‌گردد.

رئیس هیأت مدیره بنیاد تعاون زندانیان کشور - اکبر غمخوار

شماره ۹۰۰۰/۳۴۱۶۱/۱۰۰

۱۳۹۳/۶/۱۸

جناب آقای جهانگیر

رئیس محترم سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

به موجب این حکم جنابعالی با حفظ سمت به عنوان عضو هیأت مدیره بنیاد تعاون و حرفه‌آموزی صنایع زندانیان کشور منصوب می‌شوید.

امید است در انجام وظایف محوله موفق باشید.

رئیس قوه قضائیه - صادق آملی لاریجانی

شماره هـ/۹۰/۱۱۸۸

۱۳۹۳/۶/۱۳

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۶/۳ شماره دادنامه: ۹۸۴ کلاس پرونده: ۱۱۸۸/۹۰
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: رئیس مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت
موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت

اداری

گردش کار: رئیس مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت به موجب لایحه شماره ۳۳۵-۹۰/م - ۱۳۹۰/۱۰/۲۶ مضموناً اعلام کرده است که در رسیدگی به دادخواست کارکنان این مؤسسه و به طرفیت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت دایر بر تقاضای الزام به احتساب اضافه کار در پاداش پایان خدمت، شعب دیوان عدالت اداری آراء معارض صادر کرده‌اند. بدین نحو که تعدادی از شعب دیوان عدالت اداری شکایت شکات را وارد دانسته و بر محکومیت مؤسسه بر احتساب اضافه کار در پاداش پایان خدمت حکم صادر کرده‌اند، لکن این آراء در شعبه اول تشخیص دیوان عدالت اداری به موجب آراء شماره ۱۴۷-۱۰۰۵۱۰۰۹۹۷۰۹۰-۹۰۰۹۹۷۰۹۰-۱۳۹۰/۶/۱۵، ۱۳۹۰/۶/۱۵، ۱۳۹۰/۶/۱۶-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۴۱، ۱۳۹۰/۶/۱۵، ۱۳۹۰/۶/۱۵-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۴۲، ۱۳۹۰/۶/۱۵-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۴۵، ۱۳۹۰/۶/۱۵-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۴۸، ۱۳۹۰/۶/۱۵-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۴۶، ۱۳۹۰/۶/۱۵-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۴۴، ۱۳۹۰/۶/۱۵-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۵۱، ۱۳۹۰/۶/۱۵-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۳۷، ۱۳۹۱/۳/۲۲-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۳۵، ۱۳۹۱/۳/۲۲-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۳۷، ۱۳۹۱/۳/۲۲-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۵۲، ۱۳۹۱/۳/۲۲-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۵۰

عمومی در عطف به ماسبق کردن مفاد نامه فوق‌الذکر به زمان صدور نامه مورد شکایت است. استدعا دارد با تقاضای تسری ابطال نامه مورد شکایت به زمان صدور آن جهت جلوگیری از تضییع حقوق جانبازان و اعمال ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ موافقت فرمایید.

متن رأی شماره ۹۱۵-۱۳۹۱/۱۲/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به قرار زیر است:

نظر به این که برخورداری از امتیازات مصرح در ماده ۷ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴ و شقوق ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹، محدود به زمان اشتغال مشمولان قانون نشده است، بنابراین تصمیم شماره ۲۲۲/۹۱/۵۰۵-۱۳۹۱/۱/۱۵ رئیس امور نظامهای جبران خدمت معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور که برخورداری از تسهیلات مقرر در قانون را به زمان اشتغال مشمولان قانون موکول کرده است مغایر قوانین فوق‌الذکر است و به استناد بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، هیأت عمومی می‌تواند به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، ابطال مصوبه را به زمان تصویب آن مترتب کند. با توجه به حکم قانونی مذکور، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، اثر ابطال مقرر شماره ۲۲۲/۹۱/۵۰۵-۱۳۹۱/۱/۱۵ رئیس امور نظامهای جبران خدمت معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، موضوع رأی شماره ۹۱۵-۱۳۹۱/۱۲/۷ را به زمان وضع مقرر مترتب می‌کند.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

شماره هـ/۴۳۳/۹۳ تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۵/۲۷ شماره دادنامه: ۹۶۱ کلاس پرونده: ۴۳۳/۹۳

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۵/۲۷ شماره دادنامه: ۹۶۱ کلاس پرونده: ۴۳۳/۹۳
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکای: رئیس گروه امور قوانین، لویج و استعلامات سازمان امور مالیاتی کشور
موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت

اداری

گردش کار: رئیس گروه امور قوانین، لویج و استعلامات سازمان امور مالیاتی کشور به موجب شکواییه شماره ۲۱۲/۱۳۹۴/ص-۱۳۹۲/۲/۴ اعلام کرده است که:

همان گونه که آگاهی دارید مؤدیان مالیاتی به استناد ماده ۱۳ «قانون دیوان عدالت اداری» مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ با مراجعه به دیوان عدالت اداری نسبت به طرح شکایات از تصمیمات و اقدامات ادارات امور مالیاتی و آرای قطعی کمیسیونهای مالیاتی (هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی) مبادرت می‌کنند.

برخی از شعب دیوان عدالت اداری، با وجود مراجع خاص اداری در سازمان امور مالیاتی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی برابر مواد ۱۷۰، ۲۴۴ تا ۲۵۱ مکرر، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۱۶، ۲۴۳، ۲۴۲ «قانون مالیاتهای مستقیم» مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با اصلاحیه‌های بعدی، با توجه به حدود اختیارات و صلاحیت مقرر در «قانون دیوان عدالت اداری» نسبت به شکایت مؤدیان مالیاتی به خواسته ابطال برگ قطعی مالیات را قابل استماع و رسیدگی نمی‌دانند. برخی دیگر از شعب دیوان عدالت اداری، اعتراض به برگ قطعی مالیات را قابل رسیدگی در دیوان دانسته، وارد رسیدگی شده و نسبت به ابطال برگ قطعی مالیات به موجب حکم مقرر در دادنامه صادر شده اقدام می‌نمایند.

بنابراین در شرایط کنونی از این حیث، بین شعب آن دیوان اختلاف رویه وجود دارد. با توجه به مطالب فوق‌الاشعار، نظر به این که دادنامه شماره ۱۳۰۰۴۱۰-۹۱۰۹۹۷۰۹۰-۸۹۰۹۹۷۰۹۰-۱۳۸۳/۷/۲۲-۱۵۴۹ شماره دادنامه شماره ۱۳۸۹/۱۰/۱۹ شعبه ۱۳ دیوان عدالت اداری در تناقض با دادنامه شماره ۱۳۸۳/۷/۲۲-۱۵۴۹ همان شعبه بوده و دادنامه شماره ۱۳۰۰۳۸۹-۹۱۰۹۹۷۰۹۰-۱۳۹۱/۲/۳۰ همان شعبه با دیگر دادنامه‌های مورد اشاره در بند (ب) یاد شده تناقض داشته و دادنامه شماره ۱۶۲۲-۱۳۸۸/۱۱/۱۳ صادر شده از شعبه ۱۳ دیوان عدالت اداری با دیگر دادنامه‌های یاد شده در بند (ج) در تعارض است، بنابراین در اجرای بند (۲) ماده ۱۹ و ماده ۴۳ (قانون دیوان عدالت اداری) مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری جهت صدور رأی وحدت رویه را درخواست می‌نماید.

۱۳۶-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۳۸-۱۳۹۱/۳/۲۲، ۱۳۴-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۱۳۴-۱۳۹۱/۳/۲۲، نقض شده است با این استدلال که طرح شکایت به طرفیت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی قابل رسیدگی در دیوان عدالت اداری نیست. همچنین شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری در خصوص خواسته مشابه نیز به موجب رأی شماره ۱۴۴۵-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۴۰/۱۰/۶-۱۳۹۰/۱۰/۶ شکایت علیه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت در دیوان عدالت اداری را قابل طرح تشخیص نداده است اما در مقابل شعبه سیزدهم دیوان عدالت اداری به موجب رأی شماره ۱۲۶۱-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰/۹/۵-۱۳۹۰/۹/۵ حکم به وارد دانستن شکایت شاکای و محکومیت مؤسسه به احتساب اضافه کار در پاداش پایان خدمت صادر کرده است که با صدور حکم ماهوی، شعبه سیزدهم دیوان عدالت اداری عملاً طرح دعوا به طرفیت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت را قابل استماع و رسیدگی دانسته است. با توجه به مراتب فوق رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه درخواست شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً: مطابق ماده ۱۳۰ قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶، مقرر شده است، کلیه مؤسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته به دولت و سایر دستگاههای دولتی که به صورتی غیر از وزارتخانه یا مؤسسه دولتی یا شرکت دولتی ایجاد شده و اداره می‌شوند، مکلفند حداکثر ظرف مدت یک سال از تاریخ اجرای این قانون با رعایت مقررات مربوط وضع خود را با یکی از سه وضع حقوقی فوق تطبیق دهند والا با انقضای این فرصت مؤسسه دولتی محسوب و تابع مقررات این قانون در مورد مؤسسات دولتی خواهند بود. با توجه به مراتب، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی که به موجب ماده ۱۳ لایحه قانونی تشکیل مراکز تهیه و توزیع کالا مصوب سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب، طبق اساسنامه مصوب وزیر بازرگانی تشکیل و اداره شده است، مشمول حکم ماده ۱۳۰ قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶ و ماده ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری در تعریف مؤسسه دولتی تلقی می‌شود و در رسیدگی به شکایت علیه مؤسسه مذکور با توجه به ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، شعب دیوان عدالت اداری صالح به رسیدگی هستند و رأی شعبه سیزدهم دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۲۶۱-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰/۹/۵-۱۳۹۰/۹/۵ در حدی که طرح دعوا به طرفیت مؤسسه مذکور را استماع کرده است، صرف نظر از ماهیت آن صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

شماره هـ/۴۹۶/۹۳ تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۶/۳ شماره دادنامه: ۹۸۵ کلاس پرونده: ۴۹۶/۹۳

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۶/۳ شماره دادنامه: ۹۸۵ کلاس پرونده: ۴۹۶/۹۳
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکای: آقای حسن مقصدی

موضوع شکایت و خواسته: اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ نسبت به دادنامه شماره ۹۱۵-۱۳۹۱/۱۲/۷ هیأت عمومی
گردش کار: آقای حسن مقصدی به موجب درخواستی، اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ و تسری ابطال نامه شماره ۲۲۲/۹۱/۵۰۵-۱۳۹۱/۱/۱۵ امور نظامهای جبران خدمت معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور موضوع رأی شماره ۹۱۵-۱۳۹۱/۱۲/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به زمان تصویب آن را خواستار شده است و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

همان طور که استحضار دارید به موجب دادنامه شماره ۹۱۵-۱۳۹۱/۱۲/۷ و کلاس پرونده ۲۱۴/۹۱ نامه شماره ۲۲۲/۹۱/۵۰۵-۱۳۹۱/۱/۱۵ امور نظامهای جبران خدمت معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور ابطال گردید. نظر به این که نامه مزبور از زمان صدور (۱۳۹۱/۱/۱۵) تا زمان ابطال (۱۳۹۱/۱۲/۷) منشاء تضییع حقوق جانبازان بسیاری شده است و جبران آن در طول مدت مذکور منوط به قبول اعضای هیأت

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه سیزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۲۰۸۳/۱۳/۸۲ با موضوع دادخواست آقای محمود آرین جاه به طرفیت سازمان امور مالیاتی و به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی، به موجب دادنامه شماره ۱۵۴۹-۱۳۸۳/۷/۲۲، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که اداره خوانده در پاسخ به شکایت شاکی در لایحه خود اعلام کرده است به استناد مندرجات نامه و دادنامه ارسال شده و پشت برگهای تشخیص مالیات عملکرد سالهای ۱۳۷۷-۱۳۷۶ برگهای ۱۳۹ و ۱۶۴ پرونده مالیاتی که دلالت بر اعلام قبولی و توافق مؤدی مالیاتی با ممیز کل مالیاتی درباره درآمد مشمول مالیات آن سالها دارد به لحاظ آن که شکایت مؤدی یاد شده پس از توافق به منزله انکار پس از اقرار بوده و قابلیت استماع نخواهد داشت مستفاد از ماده ۱۳۷۲ قانون مدنی و از حیث آن که برابر ماده ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مالیاتهای مستقیم پرونده امر از لحاظ درآمد مشمول مالیات مخومه تلقی می‌شود، با توجه به دفاعیات و اسناد و مدارک ابرازی اداره خوانده و توافق شاکی با ممیز کل در اداره داریی شکایت نامبرده غیرثابت تشخیص و به رد شکایت مشارالیه حکم صادر و اعلام می‌نماید. رأی دیوان قطعی است.

ب: شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۰۲۹۴ با موضوع دادخواست آقای منصور ایرانمنش به طرفیت سازمان امور مالیاتی و به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی، به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۱/۷/۵-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۴۰۱۸۱۵، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است: نظر به این که مطابق تبصره ۱ و ۲ ماده ۲۱۶ قانون مالیاتهای مستقیم هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی مرجع رسیدگی به اعتراض از برگ قطعی مالیات هستند و شاکی می‌بایست قبل از طرح شکایت در دیوان عدالت اداری در مرجع مذکور اقدام به شکایت می‌کرد، لذا در وضعیت موجود شکایت را قابل استماع ندانسته قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌کند. رأی دیوان قطعی است.

ج: شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۴/۸۵/۱۴ با موضوع دادخواست شرکت تولید مواد اولیه الیاف مصنوعی (سهام عام) به مدیریت عاملی آقای محمدرضا حقایق جهرمی با وکالت آقای مهدی عزیزی به طرفیت سازمان امور مالیاتی و به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی، به موجب دادنامه شماره ۲۰۶-۱۳۸۷/۲/۸، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

خواهان به شرح مندرجات دادخواست و در پایان آن ابطال برگ قطعی شماره ۲۰۱۵/۲۴۲۵۰-۱۳۸۳/۹/۲۳ را خواستار شده که با توجه به لایحه و مستندات آن نظر به این که طبق ماده ۲۴۴ قانون مالیاتهای مستقیم رسیدگی به کلیه اختلافهای مالیاتی با هیأت حل اختلاف مالیاتی است و قبل از طرح شکایت نزد هیأت مذکور و رسیدگی و انشای رأی توسط آن هیأت و طرح دادخواست به دیوان فاقد مجوز و محمل قانونی بوده و قابل استماع و رسیدگی نیست. بنا به مراتب مذکور قرار رد دادخواست مطروح صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

د: شعبه سیزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۱۹۳۸ و ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۵۷۰۰۱ با موضوع دادخواست شرکت لاستیک زرین بلوچ تهران و شرکت ساختمانی سازنده ایران با وکالت آقای ارسلان آرایشگر گزارفودی به طرفیت سازمان امور مالیاتی و به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی، به موجب دادنامه‌های شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰۱۰۳۰-۱۳۹۱/۵/۹-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰۲۵۱۹، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به محتوای پرونده و اظهارات نماینده سازمان امور مالیاتی در جلسه دادرسی مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱ شعبه سیزدهم دیوان عدالت اداری و لایحه و اظهارات وکیل شرکت، از آن جا که حسب ماده ۲۴۴ قانون مالیاتهای مستقیم مرجع رسیدگی به کلیه اختلافات مالیاتی بدو هیأت حل اختلاف مالیاتی بوده و شرکت می‌باید بدو شکایت خود را در هیأت‌های مذکور مطرح کند با کیفیت مذکور شکایت شرکت قابل استماع نبوده و قرار رد شکایت صادر می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ه: شعبه سیزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۱۰۲۵/۸۸/۱۳ و ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۲۵۵۵ با موضوع دادخواست آقایان سیداحمد کمالی و ابراهیم اسماعیلی به طرفیت سازمان امور مالیاتی کشور و به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی، به موجب دادنامه‌های شماره ۱۶۲۲-۱۳۸۸/۱۱/۱۳ و ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰۰۴۱۰-۱۳۸۹/۱۰/۱۹، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

با عنایت به اوراق و محتوای پرونده و ملاحظه مفاد شکایت شاکی و ضمایم آن و پاسخ مشتکی‌عنه به شماره ۱۲/۲۲۸۹/ص-۱۳۸۸/۱۱/۱۰ که به شماره ۲۱۴۴-۱۳۸۸/۱۱/۱۲ ثبت دفتر لوایح، ضمیمه پرونده است، نظر به این که اظهارات شاکی و مستندات ابرازی از

قبیل رأی شماره ۲۵۳/۴/۶۲۹هـ - ۱۳۸۸/۴/۱۳ و گزارش اصلاحی شورای حل اختلاف ملحوظ نظر صادرکنندگان برگ مالیات قطعی قرار نگرفته است که در این زمینه تحقیق و بررسی دقیق و مجدد و کارشناسانه ضروری بوده است لذا شعبه ۱۳ دیوان با در نظر گرفتن مراتب فوق به لحاظ نقص تحقیقات به استناد مواد ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۵/۹/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران اعتراض معترض را وارد تشخیص و ضمن ابطال برگ معترضه، برای رسیدگی مجدد به مرجع مربوط ارجاع می‌کند. رأی دیوان قطعی است.

و: شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۲۵۹/۸۶/۱۴ و ۲۲/۸۶/۱۴ با موضوع دادخواست آقای بهزاد رضایی و شرکت فرآورده‌های روغنی ایران به طرفیت سازمان امور مالیاتی کشور و به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی، به موجب دادنامه‌های شماره ۱۳۸۶/۳/۲۲-۳۳۸ و ۵۳ - ۱۳۸۶/۱/۲۸، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

آنچه قابل اعتراض نسبت به مالیاتهای تشخیص شده در دیوان عدالت اداری است، آراء قطعی صادر شده از سوی هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی است و برگهای تشخیص صادرشده رأساً قابل طرح و رسیدگی در دیوان عدالت اداری نیست و ذی‌نفع خصوصی حق اعتراض در هیأت حل اختلاف مالیاتی را دارد و در صورت ابلاغ واقعی برگهای تشخیص صادر شده و انقضای مهلت یک ماهه مقرر و عدم اعتراض و قطعی شدن اوراق تشخیص، این اوراق قطعی شده قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری نخواهد بود زیرا رسیدگی دیوان نسبت به این امور به نحو شکلی و از مجرای آرای هیأت حل اختلاف بوده و با سابقه عدم طرح و رسیدگی در مراجع حل اختلاف پذیرش این نوع دادخواستها مستلزم ورود دیوان در ماهیت موضوع بوده که فاقد مجوز و محمل قانونی است. بنا به مراتب مذکور و قابل استماع نبودن دادخواست مطروح قرار رد آن صادر و اعلام می‌شود.

ز: شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۱۵۲۹۶ وکالت آقای رضا اسدی به طرفیت سازمان امور مالیاتی و به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی، به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۱/۶/۱۸-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۴۰۱۶۵۲، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به این که مطابق تبصره ۱ و ۲ ماده ۲۱۶ قانون مالیاتهای مستقیم هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، مرجع رسیدگی به اعتراض از برگ مالیات قطعی هستند و شاکی می‌بایست قبل از طرح شکایت در دیوان عدالت اداری در مرجع مذکور اقدام به شکایت می‌کرد لذا در وضعیت موجود شکایت را قابل استماع ندانسته قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌کند. رأی دیوان قطعی است.

ح: شعبه سیزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۶۵۵۶ با موضوع دادخواست شرکت تأسیسات ساختمانی وحدت لرستان با وکالت آقای محمدرضا ساکی و آقای عباس مومن آبادی به طرفیت سازمان امور مالیاتی و به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی، به موجب دادنامه شماره ۱۳۰۰۳۸۹-۱۳۹۱/۲/۳۰-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰۰۳۸۹، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

نظر به محتوای پرونده و مستندات ارائه شده از سوی شرکت شاکی و وکلای آن و اظهارات نماینده سازمان امور مالیاتی در جلسه دادرسی مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۳۰ و همچنین لایحه سازمان مشتکی‌عنه و ملاحظه اوراق پرونده مالیاتی، شرکت شاکی با توجه به قرارداد پیمان فی‌مابین شرکت شاکی و شرکت آب و فاضلاب گیلان و نامه شماره ۲۴۷/۷-۱۳۹۰/۲/۴ شرکت آب و فاضلاب استان گیلان که خطاب به اداره کل امور مالیاتی استان گیلان اعلام کرده است ۵٪ مالیات مربوط به عملکرد شرکت شاکی در سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ پرداخت شده است و اظهارات نماینده سازمان امور مالیاتی در خصوص چگونگی محاسبه مالیات که به نحو علی‌الرأس تهیه و تنظیم شده که کل صورت وضعیت شرکت را مورد محاسبه قرار داده نه درآمد آن را که در این خصوص دفاع مؤثری از سوی وی معمول نشده و در لایحه نیز معلوم نشده که آیا میزان مالیات موضوع شکایت کل صورت وضعیت شرکت بوده یا میزان درآمد شرکت شاکی با توجه به اوراق پرونده مالیاتی در این خصوص به طور صریح امر مذکور روشن نشده است که با توجه به مراتب مذکور و با تلقی شکایت شرکت شاکی به عنوان اعتراض به برگهای تشخیص مالیات قطعی، شکایت شرکت شاکی در حد این که اعتراض وی در هیأت‌های حل اختلاف مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار بگیرد وارد و هیأت‌های حل اختلاف بر اساس مقررات قانونی ملزم به تجدیدنظر در خصوص موضوع و اظهارنظر قانونی می‌شوند. رأی دیوان قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیأت عمومی

اولاً: پرونده‌های کلاسه ۲۲/۸۶، ۲۵۹/۸۶ و ۱۵۲۹۶ و ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۱۵۲۹۶ شعبه چهاردهم از این حیث که در آنها به برگ مالیات قطعی اعتراض نشده است، از تعارض خارج است و در سایر پرونده‌ها چون شعبه سیزدهم در پرونده‌های شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۳۲۵۵۵، شماره ۲۰۸۳/۸۲، شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۳۶۵۵۶ و شماره ۱۰۲۵/۸۸ در رسیدگی به دادخواست شکات به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی به موضوع رسیدگی کرده است و شعبه سیزدهم در پرونده‌های شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۱۹۳۸ و شماره ۱۴/۸۵ و شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۵۷۰۰۱ و شعبه چهاردهم در پرونده‌های شماره ۱۴/۸۵ و شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۲۰۲۹۴ در رسیدگی به دادخواست شکات به خواسته اعتراض به برگ مالیات قطعی با این استدلال که پیش از رسیدگی به اعتراض به برگ قطعی در هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، موضوع قابل طرح و رسیدگی در دیوان عدالت اداری نیست، قرار رد شکایت صادر کرده‌اند، بین آراء تعارض محرز است.

ثانیاً: نظر به این که طبق تبصره ۱ ماده ۲۱۶ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن، مرجع رسیدگی به شکایات از قطعیت مالیات (برگ مالیات قطعی) هیأت حل اختلاف مالیاتی است و با عنایت به این که به استناد بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، آراء قطعی هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی قابل شکایت و اعتراض در دیوان عدالت اداری خواهد بود و همچنین به استناد قسمت آخر ماده ۲۵۷ قانون مالیات‌های مستقیم، آراء صادر شده از هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی زمانی که توسط دیوان عدالت اداری نقض شود، قابل رسیدگی مجدد در هیأت حل اختلاف مالیاتی موضوع ماده یاد شده است، لذا رسیدگی به اعتراض مؤدی به برگ مالیات قطعی، قبل از رسیدگی و صدور رأی قطعی از سوی هیأت حل اختلاف مالیاتی موضوع تبصره ۱ ماده ۲۱۶ قانون اخیرالذکر، بدو قابلیت طرح و استماع در دیوان عدالت اداری را ندارد. در نتیجه آرائی که به صورت قرار رد بر اساس استدلال فوق صادر شده است، صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

شماره هـ/۴۸۱/۹۳

۱۳۹۳/۶/۱۲

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۵/۲۷ شماره دادنامه: ۹۶۲ کلاسه پرونده: ۴۸۱/۹۳
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکي: آقای موسی رحیمی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: آقای موسی رحیمی به موجب درخواستی که به شماره ۴۱۵/۷۱۱/۲۸ - ۱۳۹۰/۱/۲۷ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

احتراماً، به این وسیله با اجازه حاصل از ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ موضوع تعارض آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری «دادنامه شماره ۱۳۳۸ - ۱۳۸۹/۵/۱۸ موضوع پرونده کلاسه ۲۱۴۷/۸۸/۲۷ صادر شده از شعبه ۲۷ دیوان عدالت اداری و دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۳۰۰۱۴۴۷ موضوع پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۶۹۵۰۴ صادر شده از شعبه ۳۰ دیوان عدالت اداری» را به عرض می‌رساند و استدعا دارد موضوع با قید فوریت «با عنایت به این که مکان موضوع دادنامه اخیر استیجاری بوده و در معرض تخلیه قرار دارد» در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری جهت صدور رأی وحدت رویه مطرح و مورد رسیدگی واقع شود با این توضیح که:

موضوع هر دو دادنامه اماکن آموزشی است و مکان استقرار هر دو موضوع شهرستان رشت است و هر دو مرکز دارای جواز تأسیس از آموزش و پرورش شهرستان رشت است.

۲- مرجع بدوی صدور رأی در هر دو کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها، شهرستان رشت است.

اگر ادعای مزاحمت مطروح از جهت آلاینده‌هایی از قبیل آلودگیهای صوتی، بویی و ... باشد این امر در صلاحیت کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها نمی‌باشد و به استناد قوانین مارالذکر موضوع در تولیت محیط زیست بوده و صدور رأی تعطیلی از حیث آلاینده‌های مزبور منحصراً در صلاحیت محاکم عمومی دادگستری است «ته کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها» و دادنامه شماره ۸۹۳ - ۱۳۸۳/۹/۲۹ موضوع پرونده کلاسه ۱۲۰۴/۸۱/۵ شعبه پنجم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری «از حیث صلاحیتی» مؤید این مطلب است و رأی شماره ۱۳۳۸ - ۱۳۸۹/۵/۱۸ موضوع پرونده کلاسه ۲۱۴۷/۸۸/۲۷ شعبه ۲۷ دیوان عدالت اداری «از حیث آلودگی صوتی و عدم موضوعیت آن در رابطه با

اماکن آموزشی و...» مفید مراتب است. ضمن آن که مکان آموزشی مورد نظر هنرستان آموزشی «کامپیوتر» است و اساساً هیچ گونه صدا یا دود یا بویی ندارد و بیش از ۱۱ سال در همین مکان استقرار داشته و به نظر می‌رسد خصومت شخصی موجبات صدور این رأی را در کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها فراهم کرده است.

اگر ادعای مزاحمت مطروح از حیث آلاینده‌های بهداشتی و تهدید بهداشت عمومی باشد، با توجه به ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۱ الحاقی آن مصوب ۱۳۷۶ مقوله تهدیدات بهداشتی و... چه از حیث مرجع تشخیص و چه از حیث مرجع شکایت، در صلاحیت اداره بهداشت و حفاظت محیط زیست و... «حسب المورد» است نه در صلاحیت کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها.

کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ علی‌الاصول در خصوص اماکن مشمول قانون امور صنفی است «یعنی ناظر به مطلق و عموم مشاغل و اماکن نیست» و برابر تبصره ۱ ماده ۲ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹/۲/۲۳ شورای انقلاب و همچنین تبصره ماده ۲ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی، مشاغلی که دارای قانون خاص باشد از شمول قانون نظام صنفی خارج شده است و مراکز آموزشی که دارای مرجع صدور، جواز تأسیس، مرجع نظارت و قوانین خاص خود باشد، جزء اصناف به حساب نمی‌آید. یعنی آن مشاغل از هر حیث از جمله از نظر تعطیلی تابع قانون خاص و مراجع مربوط می‌باشند «ته کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها» و اساساً پس از صدور پروانه و تأسیس محل اشتغال برابر آیین‌نامه استقرار مدارس غیردولتی در مناطق و محلات مختلف مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ و تصمیم نامه مورخ ۱۳۸۹/۳/۹ ریاست جمهوری، شهرداری صلاحیت رسیدگی به موضوع مزاحمت شغلی در خصوص مدارس و دبیرستانها و... را ندارد و دادنامه شماره ۸۹۳ - ۱۳۸۳/۹/۲۹ موضوع پرونده کلاسه ۱۲۰۴/۸۱/۵ شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر دیوان عدالت اداری مؤید این مطلب است.

با مذاقه در بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها و ملاحظه مصادیق صریح الذکر مانند کارخانه‌ها، گاراژهای عمومی، تعمیرگاهها، دکانها، اصطبل چهارپایان و مراکز دامداری استدراک می‌شود که فلسفه وضعی بند مزبور چه بوده و ذکری از مراکز آموزش در آن نشده است و با توجه به وجود مراکز آموزشی در زمان تصویب بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها، بند مذکور ارتباط و مدخلیتی در خصوص مراکز آموزشی ندارد و شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۱۱۷۴ - ۱۳۸۱/۵/۲۸ موضوع پرونده کلاسه ۱۴۲۶/۱۶/۸۰ به مراتب مزبور اشاره و بر همین اساس انشاء رأی کرده است که مخلص رأی مزبور عدم شمول بند ۲۰ ماده ۵۵ بر مراکز آموزشی است به نحوی که رأی کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ راجع به مهدکودک را به اعتبار اعلام شماره ۶/۱۵۹۹ - ۱۳۷۵/۵/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی «که اعلام می‌دارد مهد کودک از مراکز آموزشی است و شامل بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها نمی‌شود» را ابطال کرده است که به طریق اولی رأی شماره ۱۴۴۷ - ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۳۰۰۱۴۴۷ شعبه ۳۰ دیوان عدالت اداری را نیز شامل می‌شود. همچنین تدقیق در دادنامه شماره ۱۱۴۷ - ۱۳۸۱/۵/۲۸ شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور واقعاً این معنا را افاده می‌کند که در صورت اطلاق کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵، کلیه دانشگاهها و مدارس و دبیرستانها و... باید تعطیل شوند که در این صورت با توجه به حجم و مساحت و تعداد دانشجویان و دانش آموزان، سنگ روی سنگ باقی نمی‌ماند و اصولاً و اساساً رسیدگی به این گونه امور در شأن شهرداری نیست و جزء خدمات و وظایف شهرداریها نیست لذا استدعای اتخاذ تصمیم شایسته با قید فوریت را دارد.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه سی‌ام دیوان عدالت‌اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۶۹۵۰۴ با موضوع دادخواست آقای موسی رحیمی به طرفیت شهرداری رشت و به خواسته نقض رأی کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها، به موجب دادنامه شماره ۱۴۴۷ - ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۳۰۰۱۴۴۷، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

در خصوص شکایت آقای موسی رحیمی مدیر هنرستان پسرانه فرهنگیان رشت علیه شهرداری رشت مبنی بر نقض رأی مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۷ کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها که به موجب آن رأی به تعطیلی هنرستان غیر انتفاعی پسرانه فرهنگیان رشت داده شده است با صرف نظر از این که شاکي دلیل مالکیت ارائه نکرده است مع‌الوصف چون کاربری ملک، مسکونی و در کوچه بن بست واقع و مورد شکایت ساکنان و اهالی واقع شده است و با توجه به مفاد دادخواست و ملاحظه پاسخ شماره ۲۵۹۷۸ - ۱۳۸۹/۱۱/۱۸، مشتکی‌عنه و با عنایت به این که شاکي ایراد و اعتراض مؤثر و موجهی که اساس رأی را متزلزل و مخدوش و در نتیجه موجبات نقض آن را فراهم کند ارائه نکرده است و نسبت به دعاوی مطروح دلیلی ابراز نکرده و از نظر شکلی نیز ایراد و اشکالی به رأی وارد نیست و استناد شاکي به دادنامه شماره ۱۱۷۴ - ۱۳۸۱/۵/۲۸ شعبه ۱۶ دیوان

مطروح دادنامه شماره ۱۱۷۴ - ۱۳۸۱/۵/۲۸ صادر شده از شعبه دیوان عدالت اداری را با استدلال فوق‌الذکر تأیید و ابرام می‌کند. رأی دیوان قطعی است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می‌کند.

رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است. ثانیاً: مطابق بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری اصلاحی سال ۱۳۴۵، شهرداری موظف شده است از ایجاد و تأسیس کلیه اماکن که به نحوی از انحاء موجب بروز مزاحمت برای ساکنان یا مخالف اصول بهداشتی در شهر است جلوگیری کند و هرگاه تأسیسات اماکن موضوع این بند از قانون، قبل از تصویب قانون به وجود آمده باشد آنها را تعطیل کند و اگر لازم شود آنها را به خارج از شهر انتقال دهد. با توجه به مراتب، کمیسیون موضوع این حکم قانونی، در رسیدگی به پرونده موضوع تعارض آراء فعلی که مربوط به فعالیت مدارس غیرانتفاعی است که بعد از تصویب قانون شهرداری تأسیس شده‌اند صالح به رسیدگی نبوده است و علاوه بر این، با توجه به این که مصادیق اماکن و مشاغلی که موجب بروز مزاحمت و سر و صدا برای ساکنان باشد یا مخالف اصول بهداشتی است در بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری به صورت تمثیل بیان شده است و از بیان آنها فعالیت مدارس به عنوان فعالیت‌های مذکور به ذهن متبادر نمی‌شود، بنابراین رأی شعبه ۲۷ دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۳۸ - ۱۳۸۹/۵/۱۸ که فعالیت مدرسه را به عنوان مزاحمت استنباط نکرده و رأی کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ را ابطال کرده است صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

۱۳۹۳/۶/۱۸

شماره ۲۹۵۳۱/۳۰

مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

در خصوص مغایرت اساسی طرح جامع شهر تبریز - تغییر کاربری اراضی ۳۰ هکتاری کرکج

استاندار محترم و رییس شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان آذربایجان شرقی در اجرای بند (۵) ماده (۴) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و ماده (۴۲) آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور، مصوب ۱۳۷۸/۱۰/۱۲ هیأت محترم وزیران، به استحضار می‌رساند؛

شورای عالی شهرسازی و معماری در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۳ خود مغایرت اساسی طرح جامع شهر تبریز - تغییر کاربری اراضی ۳۰ هکتاری کرکج - را پیرو صورتجلسه کمیته فنی مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۵ (پیوست) مورد بررسی قرار داده و ضمن تأیید نظرات کمیته فنی، به شرح صورتجلسه یادشده اتخاذ تصمیم نمود. معاون معماری و شهرسازی و دبیر شورای عالی معماری و شهرسازی - پیروزحناچی

کمیته فنی شورای عالی موضوع «مغایرت‌های اساسی طرح جامع شهر تبریز» را در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۵ خود مورد بررسی قرار داده و نظرات خود را به شرح زیر اعلام می‌دارد: برغم درخواست‌های مکرر کمیته فنی مبنی بر ضرورت تسریع در طرح تجدیدنظر طرح جامع شهر تبریز، ملاحظه می‌شود فهرست بلندپایه‌ای از مغایرت‌های اساسی این کلانشهر همچنان در حال ارسال به شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌باشد. در حالیکه بسیاری از موارد دریافتی فاقد حداقل مشخصه‌های کارشناسی و مستندات معقول جهت طرح در کمیته فنی یا شورای عالی شهرسازی و معماری می‌باشد. علی‌اجمال کمیته فنی ضمن تأکید بر تسریع در تهیه و تصویب طرح تجدیدنظر جامع شهر تبریز، با توجه به اسناد دریافتی و توضیحات مسئولین استانی مخالفت خود را به دلایل زیر با موارد مذکور اعلام می‌نماید:

الف) طرح تغییر کاربری اراضی پادگان تبریز در اجرای قانون انتقال پادگانها:

کمیته فنی ضمن تأیید و تأکید بر ضرورت انتقال پادگان تبریز، طرح ارائه شده را به دلایل ذیل فاقد ملاحظات شهرسازی ارزیابی می‌نماید: ۱- طرح ارائه‌شده فاقد جامع‌نگری و توجیه کارشناسی لازم بوده و در تعیین کاربری‌های پیشنهادی به نیازهای شهر تبریز توجه نشده است.

عدالت اداری در مورد مهد کودک علاوه بر این که قطعیت آن محرز نیست منصرف از مانحن‌فیه است و چون در نحوه رسیدگی و رعایت تشریفات، تخلفی از مقررات مشهود و ملحوظ نیست و شکایت به کیفیت مذکور وارد نیست. علی‌هذا به رد شکایت حکم صادر و اعلام می‌شود. رأی دیوان قطعی است.

ب: شعبه بیست و هفتم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۲۱۴۷/۸۸/۲۷ با موضوع دادخواست خانم فرشته میرقشینی و غیره به طرفیت شهرداری رشت و به خواسته نقض رأی کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها، به موجب دادنامه شماره ۱۳۳۸ - ۱۳۸۹/۵/۱۸، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است: در خصوص شکایت خانمها فرشته میرقشینی و منیژه انصاریا به طرفیت شهرداری رشت، به خواسته نقض رأی مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۴ با توجه به محتویات پرونده و لایحه طرف شکایت که به شماره ۹۸ - ۱۳۸۹/۱/۱۷ ثبت دفتر لوایح این شعبه شده است و با ملاحظه و مذاقه در پرونده استنادی خوانده و با عنایت به این که از نظر سمت اشکالی وجود ندارد زیرا در جدول برگ دادخواست اسامی هر دو شاکی ذکر شده است اگر چه ذاتاً و مورد خطاب شهرداری خانم منیژه انصاریا باشد اما در خصوص رأی کمیسیون اولاً: سمت اعضای کمیسیون در رأی مشخص نشده است تبیین نشده که چه کسانی امضا کرده‌اند. ثانیاً: دبیرستان و دایر کردن دبیرستان از شغلهای مزاحم نیست. آلودگی صوتی و سر و صدا در هنگام تردد خودروها و جا به جایی سرویسها در مانحن‌فیه مصداق ندارد و آلودگی صوتی مصداق دیگری دارد و مدرسه در عرف شهری نیاز به پارکینگ ندارد و ذاتاً طبق شهرسازی مدرسه بایستی در داخل شهر باشد نه در خارج شهر، بنابراین دعوی مطروح را وارد تشخیص و به استناد مواد ۷ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری رأی معترض‌عنه نقض و مقرر می‌دارد کمیسیون همعرض با در نظر گرفتن مراتب فوق‌الاشعار وفق مقررات قانونی مجدداً به موضوع رسیدگی نماید. رأی دیوان قطعی است.

ج: شعبه شانزدهم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۴۲۶/۱۶/۸۰ باموضوع دادخواست خانم زهرا بردام به وکالت آقای حمیدرضا بقایی رودسری به طرفیت شهرداری رشت و به خواسته نقض رأی کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها، به موجب دادنامه شماره ۱۱۷۴ - ۱۳۸۱/۵/۲۸، مفاداً به شرح آینده به صدور رأی مبادرت کرده است:

شاکي حسب دادخواست خود تقاضای صدور دستور موقت و ابطال رأی کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها به طرفیت شهرداری رشت کرده است که در خصوص دستور موقت اتخاذ تصمیم شده دیگر محلی برای اظهار نظر در خصوص آن وجود ندارد. لکن در مورد خواسته دیگر با توجه به مجموع محتویات پرونده و با عنایت به متن ماده ۵۵ (بند ۲۰) قانون شهرداریها که صراحتاً جلوگیری از ایجاد و تأسیس کلیه اماکن که به نحوی از انحاء موجب بروز مزاحمت برای ساکنان یا مخالف اصول بهداشتی در شهرهاست از قبیل کارخانه‌ها، کارگاهها، گاراژهای عمومی و تعمیرگاهها و دکانها و اصطبل چهارپایان و مراکز دامداری توسط شهرداریها بیان می‌کند و مهد کودک از مصادیق هیچ کدام از موارد احصاء شده در بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها نیست، بلکه حسب اعلام شماره ۱۵۹۹/دش - ۱۳۷۵/۵/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مراکز آموزشی و فرهنگی محسوب شده است و اصولاً شهرداریها صلاحیت رسیدگی و اظهارنظر در این گونه موارد را ندارند و اگر بنا باشد مهد کودک تعطیل یا به مکان دیگر منتقل شود و از مصادیق بند ۲۰ ماده ۵۵ محسوب شود باید کلیه دانشگاهها و مدارس از ابتدایی گرفته تا مقاطع راهنمایی و دبیرستانها تعطیل شود آن هم به طریق اولی چون حجم و مساحت و تعداد دانشجویان و دانش‌آموزان در آنها بیشتر است و حال آن که چنین نیست و نباید هم باشد. بنابراین خواسته خواهان را ثابت و صحیح تشخیص و ضمن وارد دانستن شکایت به ابطال رأی کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها (شهرداری رشت) حکم صادر و اعلام می‌دارد. رأی دیوان قطعی است.

د: به موجب تجدیدنظر خواهی شهرداری رشت شعبه پنجم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ت ۱۲۰۴/۸۱/۵ به موجب دادنامه شماره ۸۹۳ - ۱۳۸۳/۹/۲۹ به شرح آینده مبادرت به صدور رأی کرده است:

حسب محتویات پرونده نظر به این که مطابق ماده ۱۵ قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۵۹ و اصلاحیه آن در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۳۱ صدور پروانه و تأسیس هر نوع محل اشتغال مستلزم استعلام صنف مربوط از شهرداری و سازمانهای مربوط است و به موجب بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها پس از صدور پروانه و تأسیس محل اشتغال موضوع پروانه شهرداری صلاحیت رسیدگی به مزاحمت اشتغال مربوط به پروانه صادر شده را ندارد و با این وصف پس از صدور پروانه مهدکودک تجدیدنظر خوانده، هر نوع ادعای مزاحمت نسبت به آن قابل طرح در کمیسیون پیش بینی شده در ماده مذکور نیست و مدعیان می‌توانند در محل دادگستری محل اقامه دعوا کنند. لذا ضمن رد تجدیدنظر خواهی

منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور، مصوب ۱۳۷۸/۱۰/۱۲ هیأت محترم وزیران، به استحضار می‌رساند؛

شورای عالی شهرسازی و معماری در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۳ خود مغایرت اساسی طرح جامع شهر ساوه - کاهش حریم ساوه در محل دانشگاه ناصر خسرو را پیرو صورتجلسه کمیته فنی مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۰ (پیوست)، مورد بررسی قرار داده و ضمن تأیید نظرات کمیته فنی، به شرح صورتجلسه یادشده اتخاذ تصمیم نمود.

معاون معماری و شهرسازی و دبیر شورای عالی معماری و شهرسازی - پیرو حناچی

کمیته فنی شورای عالی موضوع «مغایرت‌های اساسی طرح جامع شهر ساوه - کاهش حریم ساوه در محل دانشگاه ناصر خسرو» را در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۰ خود مورد بررسی قرار داده و نظرات خود را به شرح زیر اعلام می‌دارد:

با توجه به اینکه دلایل ارائه شده از سوی نماینده دانشگاه برای خروج اراضی دانشگاه از حریم شهر ساوه صرفاً حل مشکلات مالی برای تملک زمین بوده و ضرورت کارشناسی و فنی برای درخواست مذکور ارائه نگردید، کمیته فنی با کاهش حریم شهر ساوه در محل دانشگاه ناصر خسرو به دلایل مشروحه ذیل مخالفت می‌نماید.

۱- ضرورت قرارگیری کاربری آموزش عالی بعنوان عملکرد شهری در محدوده و در صورت عدم امکان قرارگیری و استقرار در محدوده شهر در حریم شهر، در مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری بارها تأکید گردیده است.

۲- کاربری آموزش عالی در ارتباط مستقیم با شهر بوده و می‌بایست تحت نظارت و در حوزه خدمات‌رسانی مستقیم مدیریت شهری باشد.

۳- کاهش حریم در محل دانشگاه ناصر خسرو موجب تسری به سایر کاربری‌های موجود در حریم (همانند آربین لبن، شهرک صنعتی کاوه و...) که هم اکنون نیز متقاضی خروج از حریم هستند) خواهد شد.

۴- موافقت با خروج دانشگاه ناصر خسرو از حریم و باقی ماندن سایر کاربری‌های آموزش عالی مجاور آن در حریم تصمیم‌گیری دوگانه در حوزه شهرسازی را موجب می‌گردد.

شماره ۲۹۳۳۷/۳۰۰

۱۳۹۳/۶/۱۸

مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

در خصوص ساخت و ساز مجموعه پردیسبان در استان قزوین

استاندار محترم و رییس شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان قزوین در اجرای بند (۵) ماده (۴) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و ماده (۴۲) آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور، مصوب ۱۳۷۸/۱۰/۱۲ هیأت محترم وزیران، به استحضار می‌رساند؛ شورای عالی شهرسازی و معماری در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۳ در خصوص مجموعه گردشگری تفریحی کاسپین قزوین (پردیسبان) مقرر نمود:

۱. نظر به اهمیت سرمایه‌گذاری شفاف و قانونمند و با توجه به دلایل کارشناسی مندرج در صورتجلسه کمیته فنی شورای عالی (پیوست) شرکت سرمایه‌گذار پروژه مجموعه گردشگری - تفریحی کاسپین قزوین (پردیسبان) موظف است حداکثر ظرف مدت دو ماه مدارک زیر را جهت اخذ موافقت اصولی و طرح مجدد موضوع در کمیته فنی شورای عالی از دوایر ستادی مربوطه اخذ و ارائه نماید:

۱-۱- رعایت کامل الزامات و ضوابط طرح‌های فرادست درباره مقیاس عملکرد و

ضوابط پهنه‌بندی و ضوابط حریم شهرها و منابع طبیعی

۱-۲- تأییدیه گزارش ارزیابی زیست محیطی از سازمان حفاظت محیط زیست

۱-۳- اخذ مجوز نهایی وزارت نیرو درباره میزان تخصیص منابع آب

۱-۴- انجام و ارائه مطالعات جامع ترافیکی

۱-۵- اخذ تأییدیه مجوز از مراجع ذیربط حاکمیتی در خصوص عرضه عمومی سهام

- بدیهی است: بررسی موارد مربوط به جزئیات طرح در مراحل بعدی مستلزم انجام مراحل تصویبی و قانونی مربوطه می‌باشد. در هر حال در صورت عدم ارسال موارد فوق‌الاشاره در مدت مقرر، موضوع درخواست و سوابق این پروژه کان‌لم‌یکن تلقی می‌گردد.

۲- با توجه به روند روبه‌گسترش استفاده از عرضه عمومی اوراق بهادار برای تأمین سرمایه در پروژه‌های بزرگ ساختمانی و با توجه به لزوم رعایت مفاد قانون پیش‌فروش ساختمان و آیین‌نامه اجرایی آن و قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی ضمن تأکید بر لزوم رعایت کلیه قوانین و مقررات مربوط در کلیه مراحل تصمیم‌گیری و تصویب در شوراها و کمیته‌های مرتبط استانی مقرر کرد:

۲-۱- نظر به مفاد قانون پیش‌فروش ساختمان و آیین‌نامه‌های اجرایی آن که تبلیغ عرضه عمومی اوراق بهادار تحت هر عنوان (سهام شرکت، اوراق مشارکت، اوراق مشاعی

۲- با توجه به بارگذاریهای انجام‌شده، علیرغم شبکه‌های پیشنهادی در طرح، این شبکه‌ها رافع مشکلات ترافیکی مرکز شهر نشده است.

۳- اتصال و نزدیکی بیش از حد اراضی پادگان به مراکز شهری، عدم امکان بسط ساختار چند مرکزی شهر تبریز را موجب شده و باعث بسط و تورم مرکز شهر و در نتیجه کاهش کارایی محورها و رینگ‌های اصلی ارتباطی شهر می‌گردد.

۴- شهر تبریز از نظر کاربری تجاری اشباع بوده و پیشنهاد ۴۰۰ هزار مترمربع تجاری در اراضی پادگان موجب اختلال در عملکرد کاربریهای تجاری موجود از جمله بازار تبریز شده و سهم ده ساله آتی تجاری شهر تبریز را نیز مورد استفاده قرار می‌دهد.

۵- با توجه به سابقه تاریخی پادگان از زمان قاجاریه و وجود آثار تاریخی با ارزش در آن، توجه به این آثار و تعیین کاربری‌های مناسب در طرح پیشنهادی ضروری است.

۶- با توجه به مجاورت اراضی پادگان با بافت فرسوده مارالان، ضروری است راهکاری جهت استفاده از این فرصت در خصوص بهسازی و بازسازی بافت مذکور ارائه گردد.

لذا کمیته فنی پیشنهاد می‌نماید مشاور طرح نسبت به تهیه طرح جدید در چارچوب قانون انتقال پادگانها، با جامع‌نگری لازم، متناسب با نیازهای شهر و با رویکرد تأمین منافع کالبدی، ترافیکی و زیست محیطی برای شهر و در هماهنگی کامل با مطالعات در دست اقدام طرح تجدیدنظر جامع شهر، تهیه و به شورای عالی شهرسازی و معماری ارائه نماید.

ب) تغییر کاربری اراضی ۳۰ هکتاری کرکج:

تغییر کاربری ۳۰ هکتار اراضی کرکج واقع در شرق شهر تبریز از فضای سبز به مسکونی و واگذاری این اراضی جهت تأمین اعتبار حل معضل یکی از سکونتگاههای غیررسمی حاشیه شمالی شهر تبریز فاقد توجیه کارشناسی و شهرسازی بوده و به دلایل زیر مورد تأیید نمی‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری با همکاری دستگاههای استانی یک برنامه جامع، منسجم و هدفمند در رابطه با حل معضل سکونتگاههای غیررسمی شهر تبریز به همراه برنامه عملیاتی، ابزارها و ضمانتهای لازم ارائه نماید. بدیهی است هرگونه موضوع تغییر کاربری در راستای حل این مسأله با توجه به برنامه مورد قبول و تأییدشده مذکور و با رعایت جوانب شهرسازی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ضمناً پیشنهاد گردید مهندسین مشاور طرح جامع تجدیدنظر تبریز راهکارها و پیشنهادات خود را در جهت حل مشکل سکونتگاههای غیررسمی در شهر تبریز در قالب طرح در دست تهیه ارائه نمایند.

۱- چنین رویکردی (تغییر کاربری و فروش اراضی شهر) در جهت تأمین هزینه جابجایی سکونتگاههای غیررسمی، نه تنها از نظر فنی و شهرسازی مورد تأیید نبوده بلکه منجر به تشویق حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در شهر می‌شود.

۲- با توجه به ایجاد شهر جدید سهند و ملک کیان برای سرریز جمعیتی شهر تبریز، پیشنهاد می‌گردد هرگونه ساماندهی و جابجایی سکونتگاههای غیررسمی شهر در قالب شهرهای جدید مذکور برنامه‌ریزی گردد.

۳- چنین رویکردی منجر به تسری تغییر کاربری به اراضی مجاور گردیده و تبعات منفی ناشی از آن برای شهر تبریز قابل جبران نمی‌باشد.

۴- مطالعات کامل زمین‌شناسی شامل شناخت جنس زمین، سیلاب، گسل، توپوگرافی و... در خصوص اراضی مورد تقاضا ارائه نگردید.

۵- برنامه عملی و ابزارها و تضمین‌های لازم در جهت تحقق اهداف در پیش‌گرفته شده بمنظور حل معضل سکونتگاههای غیررسمی شهر تبریز ارائه نگردید.

۶- با توجه به اسکان قریب به ۲۰٪ جمعیت شهر تبریز، در سکونتگاههای غیررسمی، هرگونه ساماندهی این سکونتگاهها می‌بایست در قالب طرح جامع ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی شهر تبریز که توسط ستاد ملی توانمندسازی تهیه می‌گردد، باشد و حل این معضل شهری به صورت موردی و بدون جامع‌نگری مورد تأیید نمی‌باشد.

۷- کلانشهر تبریز جزء ۷ کلانشهر آلوده کشور بود و با کمبود جدی فضای سبز مواجه می‌باشد، در چنین شرایطی حذف فضای سبز بزرگ در مقیاس شهری (نظیر اراضی ۳۰ هکتاری کرکج با کاربری مصوب فضای سبز)، بدون تأمین اراضی معوض، در مسیر باد غالب منطقی نمی‌باشد. ضمن اینکه با توجه به زلزله خیز بودن منطقه و نیاز به فضاهای باز شهری در مواقع بحران، هرگونه تغییر کاربری اراضی مذکور ناقض منافع بلندمدت شهر و شهروندان می‌باشد.

شماره ۲۹۳۹۹/۳۰۰

۱۳۹۳/۶/۱۸

مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص مغایرت اساسی

طرح جامع شهر ساوه - کاهش حریم ساوه در محل دانشگاه ناصر خسرو

استاندار محترم و رییس شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان مرکزی در اجرای بند (۵) ماده (۴) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و ماده (۴۲) آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای،

۲- الف و ب و ج و دال در یک آپارتمان ساکن و از کنتور گاز مشترک استفاده می کنند الف دادخواستی به طرفیت ب و ج و شرکت گاز به خواسته الزام به تفکیک امتیاز کنتور گاز مشترک تقدیم نموده است آیا چنین دعوی قابلیت استماع دارد یا خیر.

نظریه شماره ۷/۹۳/۴۱ - ۱۳۹۳/۱/۱۸

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

اولاً- مستنداً به ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و رأی وحدت رویه دیوانعالی کشور به شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳، با رسیدن طفل به سن بلوغ شرعی که در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است، موضوع حضانت (امر غیر مالی) منتفی است و فرد بالغ (پس از بلوغ شرعی) می تواند با هر یک از والدین یا اجداد خود که بخواهد، زندگی نماید.

ثانیاً- در فرض استعلام، بالحاظ قتل مادر طفل از سوی پدر طفل، با در نظر گرفتن ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی اصلاحی سال ۱۳۷۶، دادگاه می تواند هر تصمیمی را برای حضانت طفل اتخاذ نماید، تشخیص دادگاه می تواند از طرق مختلفی از جمله ارجاع امر به کارشناس، تحقیقات محلی، ارجاع امر به مددکاری و بالحاظ مدارک و مستندات طرفین از جمله مفاد حکم محکومیت کیفری زوج، صورت پذیرد.

۱۲۲

شماره پرونده ۲۰۸۳ - ۲۱۸ - ۹۲

سؤال

با توجه به بند ۲ ماده ۱۱ قانون شوراهای حل اختلاف که اشعار می دارد رسیدگی به کلیه دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره در صلاحیت شورا می باشد آیا رسیدگی به دعاوی فسخ قرارداد اجاره اماکن مسکونی که به لحاظ تخلف مستأجر از شروط ضمن عقد و تأخیر در تأدیه به موقع اجاره مطرح می شود با توجه به اینکه از متفرعات دعوائی است که اصل آن در صلاحیت شورای حل اختلاف است، باید در شورای حل اختلاف رسیدگی شود یا به لحاظ مالی بودن در صلاحیت محاکم عمومی حقوقی دادگستری است؟

نظریه شماره ۷/۹۳/۳۲ - ۱۳۹۳/۱/۱۸

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

با توجه به صراحت بند ۲ ماده ۱۱ قانون شوراهای حل اختلاف، فقط دعاوی تخلیه اماکن مسکونی در صلاحیت شوراهای مذکور بوده و سایر دعاوی با منشاء عقد اجاره نظیر دعاوی بطلان و تأیید فسخ و انفساخ قرارداد اجاره از صلاحیت شوراهای مذکور خارج است.

۱۲۳

شماره پرونده ۲۰۶۳ - ۳/۱ - ۹۲

سؤال

مرجع صالح رسیدگی به اعتراض ثالث اجرایی مطابق ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی در فرضی که موضوع اعتراض توسط دادگاه مجری نیابت توقیف شده است کدام دادگاه است؟ (دادگاه معطلی نیابت یا دادگاه مجری نیابت).

نظریه شماره ۷/۹۳/۱۲ - ۱۳۹۳/۱/۱۶

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

اگر نیابت کلی جهت توقیف اموال محکوم علیه داده شده، مرجع صالح جهت رسیدگی به اعتراض ثالث اجرایی موضوع مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی، دادگاه توقیف کننده مال یعنی دادگاه مجری نیابت است. ولی اگر موضوع نیابت، توقیف مال معین جهت فروش و وصول وجه محکوم به از محل فروش آن بوده، مرجع صالح رسیدگی به شکایت شخص ثالث به توقیف مال مذکور، دادگاه معطلی نیابت است.

۳- الف (زوج) ب (زوجه) را به قتل می رساند فرزند مشترک توسط مادر ب نگهداری می شود برادر و مادر الف دادخواستی به طرفیت مادر ب و الف به خواسته استرداد طفل و حضانت تسلیم دادگاه می نمایند در پاسخ اعلام فرمائید حضانت با چه کسی است؟

۲-۲- شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بر لزوم رعایت ماده ۹ قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن و ماده ۲۱ قانون پیش فروش ساختمان در خصوص لزوم اخذ مجوزهای قانونی قبل از درج هر نوع آگهی تبلیغاتی در مطبوعات و رسانهها تأکید مجدد می نماید.

۲-۳- در مدت زمان بررسی این طرح، انجام هر گونه تبلیغات درباره این پروژه از رسانهها ممنوع می باشد.

۳- با توجه به لزوم هماهنگی و جلوگیری از اطاله رسیدگی در فرآیند بررسی و تصویب طرحهای محلی، ناحیه ای، منطقه ای و ملی، از کلیه نمایندگان دستگاههای اجرایی عضو شوراها و کمیته های مرجع تصویب طرح های مذکور درخواست می شود در مواردی که تصمیم گیری مربوط به آن دستگاه در صلاحیت مدیران محلی و استانی دستگاه نیست یا تأیید مقامات ارشد آن دستگاه لازم است قبل از اعلام نظر، مجوزهای لازم را از مقامات ذی صلاح دستگاه اجرایی مربوط اخذ و پس از انجام هماهنگی های لازم نسبت به ارائه نظر در کمیته ها و شوراها و دبیرخانه های منطقه ای و استانی اقدام نمایند.

۴- دبیرخانه شورای عالی موظف است ضمن مکاتبه با سازمان بورس اوراق بهادار و سایر نهادهای ذیربط موارد مربوط به این گونه پروژهها را متذکر شود.

معاون معماری و شهرسازی و دبیر شورای عالی معماری و شهرسازی - پیروز حناچی

کمیته فنی شورای عالی ضمن حمایت از ایجاد و توسعه فرصتهای سرمایه گذاری توسط بخش خصوصی در حوزه گردشگری، موضوع مجموعه گردشگری - تفریحی بین المللی کاسپین قزوین (زیربنای حدود ۹۰۰۰۰۰ مترمربع و طبقات ۶۶ طبقه در زمینی به وسعت ۲۵ هکتار واقع در شمال اتوبان قزوین - تهران در حریم شهر آبیک) را با عنایت به مصوبه مورخ ۱۳۹۳/۲/۸ شورای عالی مورد بررسی قرار داد و با عنایت به مشخصات فنی طرح اعم از تعداد طبقات - تراکم ساختمانی - ایده و کانسپت معماری و کاربری مدنظر طرح، بنا به ملاحظات ذیل مکان و ابعاد و میزان بارگذاری پروژه را مردود می داند.

۱- عدم معرفی پتانسیل های مناسب جذب گردشگر برای منطقه به نحوی که ابعاد گسترده پروژه و صرفه اقتصادی آن را توجیه نماید. فقدان این ظرفیت ها، پروژه را با عدم توجیه اقتصادی مواجه می کند که این خود شایبه انحراف پروژه در مراحل بعد را محتمل می نماید.

۲- قرارگیری در حریم آبیک و وجود تناقض ذاتی با ماهیت حریم که بعنوان اراضی لازم برای توسعه موزون هر شهر می باشد. ابعاد و عملکرد ملی این پروژه با سیاست های توسعه موزون شهر کوچکی مثل آبیک هماهنگ نیست.

۳- وجود همجواری های نامناسب عملکردی و زیست محیطی در اطراف پروژه از قبیل شهرک صنعتی - کارخانه سیمان - کارخانه آسفالت - کوره های سنتی آهک پزی و ذغال گیری و احتمال وجود آلودگی های محیطی برای پروژه.

۴- وجود تردید در امکان تخصیص آب مورد نیاز پروژه متناسب با بارگذاری گسترده مدنظر آن: با توجه به نظر وزارت نیرو، هماهنگی لازم در خصوص تخصیص آب صورت نگرفته است. ضمن اینکه اراضی مذکور در دشت ممنوعه (به لحاظ برداشت آب زیرزمینی) قرار دارد و احتمال تخصیص ۲۸ لیتر بر ثانیه آب مطابق نظر وزارت نیرو برای این پروژه غیرمحتمل می نماید.

۵- عدم سنخیت فعالیت مدنظر طرح به لحاظ ابعاد عملکردی و مقیاس کاربری های مجاز با ضوابط پهنه بندی طرح ناحیه قزوین.

۶- عدم ارائه مطالعات ترافیکی در خصوص تأثیر پروژه بر ترافیک محور کرج - قزوین و مشکلات محور مذکور خصوصاً در ایام اوج تردد.

شماره ۷/۹۲/۲۵۴۵

۱۳۹۲/۱۲/۲۸

۱۲۱

شماره پرونده ۲۰۲۰ - ۹/۳ - ۹۲

سؤال

۱- الف (زوج) ب (زوجه) را به قتل می رساند فرزند مشترک توسط مادر ب نگهداری می شود برادر و مادر الف دادخواستی به طرفیت مادر ب و الف به خواسته استرداد طفل و حضانت تسلیم دادگاه می نمایند در پاسخ اعلام فرمائید حضانت با چه کسی است؟